

متفاوتی بازتاب می‌یابد. روشن است که بها ندادن به این گونه تفاوت‌ها در آموزش زبان‌های خارجی به ظهور و گاه پایداری خطاهایی در گفتار زبان‌آموزان می‌انجامد که نه تنها نشانه‌ی تسلط ناکافی بر زبان هستند، بلکه آنچه مهم‌تر نیز هست آن که غالباً مانع برقراری ارتباط میان گوینده و هم‌صحبت او می‌شوند.

نمونه‌هایی از خطاهای گفتاری روسی‌آموزان ایرانی و جملات گفتاری روسی که در زیر آورده شده است، نشان می‌دهند که توجه به تفاوت‌های زبانی-فرهنگی در آموزش زبان‌های خارجی و در این مورد، در آموزش زبان روسی به زبان‌آموزان ایرانی، تا چه اندازه مهم است.

این نمونه‌ها را عمدتاً نویسنده در کلاس‌های خود و نیز طی سه سال تحصیل در دوره دکترای آموزش زبان روسی در مسکو گردآوری کرده است، اما برخی از آنها با پرسش از همکاران یافت شده‌اند.

ویژگی زبانی-فرهنگی خطاهای گردآوری‌شده از بسیاری جهات برطرف نمودن آنها را در سطح میانی و گاه حتی در سطح پیشرفته‌ی آموزش زبان دشوار می‌سازد. این خطاها غالباً تا پایان آموزش در گفتار زبان‌آموزان باقی می‌مانند. دلیل این پدیده، همانگونه که ما پیشتر نشان داده‌ایم (شجاعی ۵۸-۶۰)، آن است که در آموزش زبان روسی در دانشگاه‌های ایران تقریباً همه‌ی تلاش استادان عمدتاً معطوف به ارائه‌ی ساختار زبان است.

ویژگی‌های ساختاری زبان‌های روسی و فارسی

می‌دانیم که زبان فارسی، همچون زبان روسی، از خانواده‌ی زبان‌های هند و اروپایی است. اما زبان فارسی از نظر ساخت یک زبان تحلیلی است (روبینچیک ۵؛ موشکالو ۳۷۲). حال آن که زبان روسی یک زبان ترکیبی است (لاپاتین، اولوخانوف ۴۴۲). در زیر اندکی به تفاوت این دو دسته از زبان‌ها می‌پردازیم.

زبان‌های تحلیلی آنهایی هستند که در آنها مفاهیم گوناگون واژگانی یا دستوری واژه با بهره‌گیری از ترکیب با واژه‌های وابسته یا آزاد، بهره‌گیری از آرایش جمله یا آهنگ جمله بیان می‌شود؛ در مقابل در زبان‌های ترکیبی معانی گوناگون دستوری و واژگانی یک واژه با افزوده شدن تکواژهای گوناگون بیان می‌شود، مانند جفت نمونه‌های زیر که در آنها نخستین صورت تحلیلی و دومین صورت، ترکیبی است: در نحو ← گزاره: گریه

کرد - گریست، وابسته: مردی با قد بلند - مرد قد بلندی، ظرف: به گونه‌ی عمیق اندیشیدن - عمیق اندیشیدن؛ در واژگان «باغ کوچک - باغچه. البته از این نظر مرز قاطعی میان زبان‌ها وجود ندارد، تحلیلی یا ترکیبی بودن زبان‌ها یک پدیده‌ی نسبی است، بدین معنا که برخی زبان‌ها "تحلیلی‌تر" هستند و برخی دیگر "ترکیبی‌تر" (گاک ۳۱؛ کریستال ۲۴). ریشه‌ی بسیاری از تفاوت‌های زبان روسی با زبان فارسی در حوزه‌ی ساخت واژه نیز در همین جاست، تفاوت‌هایی که باعث دشواری‌های فراوان برای دانشجویان ایرانی در یادگیری زبان روسی هستند. به این نکته می‌توان فقدان نمود فعل و مقوله‌ی جنس در زبان فارسی را از یک سو، و از سوی دیگر وجود نظام نسبتاً پیچیده‌ی صرف فعل و همچنین زمان و وجه در آن را افزود.

دستوری بودن، پذیرفتنی بودن، هنجارمند بودن و به‌جا بودن

می‌کوشیم تا این مفاهیم را یک به یک، اما به‌کوتاهی، توضیح دهیم. روشن است که "دستوری بودن" با مراجعه به نظام زبان مشخص می‌شود. جدا از تفاوت در نظام زبان (نک. بند ۲) که "دستوری بودن" گفتار را تعیین می‌کند، تفاوت‌های دیگری نیز میان دو زبان فارسی و روسی از نظر "پذیرفتنی بودن" صورت‌های درست از نظر دستوری وجود دارد. "پذیرفتنی بودن" در واقع "هنجارمند بودن" زبان را نشان می‌دهد و پیش از هر چیز نه مربوط "به نظام زبان، بلکه مربوط به هنجارها، سنت‌ها و شیوه‌ی کاربرد واژه‌ها" است (آروتیونوف ۱۴۷). از سوی دیگر هنجارها، سنت‌ها و شیوه‌ی کاربرد واژه‌ها را سنت‌های زبانی تعیین می‌کنند. این بدان معنا است که سخنگوی یک زبان در هر مورد دقیقاً به یک شیوه‌ی خاص مناسب آن مورد سخن می‌گوید، به آن شیوه و نه به روش دیگری موقعیتی را توصیف می‌کند و ارتباط خود را با آن بیان می‌کند، دقیقاً به آن شیوه به گفتار هم‌صحت خود واکنش نشان می‌دهد. پس "پذیرفتنی بودن" یعنی در هر موقعیت ارتباطی خاص استفاده از همان واژه‌ها، همان ترکیب‌ها و تعبیرها و همان ساختهای دستوری که اهل زبان در آن موقعیت به کار می‌برند.

شاید به کمک نمونه‌ی زیر بتوانیم مفهوم "هنجارمند بودن" را باز بشکافیم:
گوینده آپارتمانی دارد که آن را اجاره داده است. او می‌گوید

Я сдаю свою квартиру = من آپارتمانم را اجاره می‌دهم.

در زبان روسی منظور از چنین عبارتی این است:

الآن در آنجا مستأجر زندگی می‌کند.

اما در زبان فارسی برای بیان این موضوع از فعل گذشته‌ی نقلی استفاده می‌شود که ترجمه‌ی روسی آن جمله‌ی زیر خواهد بود:

Я сдавал свою квартиру.

از دید دستور زبان روسی جمله‌ی دوّم نیز کاملاً درست است، اما "هنجارمند" نیست، یعنی روس‌زبان‌ها هنگام بیان این موضوع این گونه سخن نمی‌گویند.

کوردر در کنار مفاهیم یادشده (دستوری بودن و پذیرفتنی بودن) مفهوم دیگری را نیز نشان می‌دهد که بروز خطا در آموزندگان زبان‌های خارجی، و از جمله روسی‌آموزان ایرانی، گاه از آن ریشه می‌گیرد. او می‌نویسد: "جمله باید نه تنها پذیرفتنی باشد، بلکه باید مناسب نیز باشد، یعنی در بافت مورد نظر به‌جا و مفهوم باشد" (کوردر ۲۷۲؛ تأکید از نگارنده است). وی با آوردن مثالهایی به این نتیجه می‌رسد که "هر بارتعیین خطا به‌ناگزیر مستلزم تفسیر آن خطا در بافت آن خطا است" (همانجا؛ تأکید از کوردر است). بدین ترتیب روشن می‌شود که "دستوری بودن" (در نظام اصطلاحات آروتیونوف "صحّت") گفته از راه مراجعه به نظام زبان مشخص می‌شود که به معنی "رعایت قواعد همنشینی و جانشینی در زبان مورد آموزش است" (آروتیونوف ۱۴۷)، "هنجارمند بودن" را ما نه در ارتباط با نظام زبان، بلکه در ارتباط "با هنجارها، سنت‌ها و شیوه‌ی کاربرد واژه‌ها" (همانجا) تعریف می‌کنیم. اما سومین مفهوم که آن را می‌توان "به‌جا بودن" زبان یا گفته نامید، پیوند تنگاتنگی با ارتباط گفتاری دارد که در آثار کسانی مانند ورشاکین و کاستاماروف (۱۹۹۰؛ ۱۹۹۹)، پروخاروف (۱۹۹۷) (۲۰۰۸) و شملیف (۲۰۰۲) به‌گونه‌ای عمیق بررسی شده است.

در همین رابطه مفهوم دیگری نیز هست که آن را می‌توان با مفهوم "به‌جا بودن" یکی دانست. این مفهوم "توزیع" است، اصطلاحی که آن را زبان‌شناس آمریکائی، رابرت لادو در این رشته از دانش رایج ساخت. این اصطلاح را می‌توان به بسامد یا ویژگی‌های بافت پیرامون یک واژه یا یک صورت زبانی معنا نمود. لادو درست در آغاز کتاب خود می‌نویسد: "مردم مایل‌اند تا صورت و معنا را منتقل کنند و همراه با آن، توزیع صورت‌ها و معناهای زبان و فرهنگ مادری خود را به زبان و فرهنگ خارجی منتقل می‌کنند، ... چه در سطح تولید و چه در سطح دریافت" (لادو ۲). سپس توزیع به روش زیر باز شکافته می‌شود: "ما نشان دادیم ... که ساخت‌های دستوری زبان دارای صورت و معنا هستند.

... اما اکنون بسیار مهم است این را نیز بیفزائیم که هر ساخت دارای توزیع [خاص خود] نیز هست، یعنی ساخت مورد نظر در موقعیت‌ها و بافت‌های خاصی نمود می‌یابد و در موقعیت‌های دیگر دیده نمی‌شود. مسئله‌ی توزیع به این دلیل پیش‌گذارده می‌شود که زبان‌آموز در حین انتقال ساخت زبان مادری، همراه با صورت‌ها و معناها، توزیع آن را نیز منتقل می‌کند" (لادو ۵۸).

با جمع‌بندی مطالب بالا می‌توانیم بگوئیم که مفهوم‌های برشمرده (دستوری بودن، پذیرفتنی بودن، هنجارمند بودن و به‌جا بودن) می‌توانند به عنوان معیارهای ما در تحلیل خطاهای زبانی-فرهنگی زبان‌آموزان ایرانی به کار گرفته شوند. در زیر به تحلیل برخی از مهمترین موارد مشاهده شده از این دست می‌پردازیم.

تفاوت در حرکت در مکان: پیشوندهای **по-** و **при-** در فعل‌های حرکتی

در زبان فارسی مفاهیم **در آنجا/ به آنجا** و **در اینجا/ به اینجا** در مواردی با مفاهیم متناظر خود در زبان روسی همگونی ندارند. در زبان فارسی گوینده هنگام بیان جابه‌جایی در مکان یکی از حالات زیر را در نظر دارد: الف) نزدیک شدن به گوینده یا به هم‌صحبت او، ب) دور شدن از گوینده یا از هم‌صحبت او، پ) حرکت از کنار گوینده یا هم‌صحبت او. بدین ترتیب فعل‌های آمدن و آوردن به حرکت فاعل یا مفعول به سمت گوینده یا هم‌صحبت او اشاره دارد. برابری این دو فعل در زبان روسی معمولاً فعل‌های **приходить** و **приносить** هستند. از سوی دیگر فعل‌های رفتن و بردن حرکت فاعل یا مفعول را "از" گوینده یا هم‌صحبت او بیان می‌کنند که در روسی معمولاً فعل‌های **уходить** و **по-**، **уносить** در مفهوم آنها به کار می‌روند. حال آنکه با در نظر گرفتن نمونه‌ها در می‌یابیم که این تقسیم‌بندی بدین شکل در زبان روسی وجود ندارد:

بافت: گوینده برای هم‌صحبت خود از خوابگاهی می‌گوید که قرار است در آن زندگی کند، اما هم‌صحبت او در خوابگاه مورد بحث زندگی نمی‌کند:

*Когда я **приеду** в новое общежитие, я там буду ...*

وقتی به خوابگاه جدید بیایم، من آنجا ...

بافت: گفتوگو در مسکو انجام می‌گیرد. گوینده از قصد خود برای رفتن به کازان می‌گوید. هم‌صحبت او هیچگاه در کازان نبوده است:

*Когда я **приеду** в Казань, там тоже будет ...*

وقتی من به کازان بیایم، آنجا هم ...

بافت: گفتوگو درباره‌ی دفتری است که هیچ یک از دو طرف گفتوگو هیچگاه در آن نبوده‌اند:

*В тот день я не **вынужден** **приехать** в офис.*

آن روز من مجبور نیستم که به دفتر بیایم.

توضیح: گوینده هیچ ارتباطی با مقصد مورد بحث (آنجا) ندارد.

*Хочу ему сказать, чтобы он туда сегодня не **приходил**.*

می‌خواهم به او بگویم که امروز آنجا نیاید.

*Я уже **прислал** тебе ещё одно письмо.*

۱- من برای تو یک نامه‌ی دیگر [به اینجا] فرستادم.

*Я собрал красивые фотки и **пришлю** их тебе в воскресенье*

من عکس‌های قشنگی جمع کرده‌ام و آنها را یکشنبه برایت [به اینجا] می‌فرستم.

در همه‌ی نمونه‌های بالا (به جز دو نمونه‌ی آخر که معنای فعل روسی و پیشوند آن با افزودن [به اینجا] نشان داده شده است)، به جای فعل‌های مشخص‌شده‌ی روسی، در فارسی فعل‌هایی به کار رفته که از نظر جهت حرکت در تقابل با آنها قرار دارند. هنگام انجام تمرین، در درس‌های ترجمه یا هنگام اجرای گفتوگو توسط دانشجویان تقریباً در همه‌ی اینگونه موارد مشاهده می‌شود که دانشجویان فعل‌هایی را به کار می‌برند (یا تمایل به کاربرد آنها دارند) که از نظر جهت حرکت کاملاً در نقطه مقابل فعل‌های روسی هستند: در بیشتر نزدیک به همه‌ی موارد مانند موارد بالا که در زبان روسی در آنها از فعل‌هایی با پیشوند ПРИ- استفاده می‌شود، دانشجویان ایرانی از پیشوند ПО- استفاده می‌کنند که نشان‌دهنده‌ی شروع حرکت به سوی جایی دور از مکان گوینده یا مکان مورد بحث در گفتوگو است.

این را نیز باید افزود که از این میان فعل ПРИСЛАТЬ (به اینجا فرستادن) دشواری بیشتری را به وجود می‌آورد، زیرا برای کسی که به زبان فارسی سخن می‌گوید، تعجب‌آور است که چرا باید گفت به اینجا فرستادن، در حالی که ما چیزی را به جایی دور از خود ارسال می‌کنیم. در این مورد به نظر می‌رسد در زبان فارسی، در مقایسه با

زبان روسی، فاعل یا گوینده جایگاه اصلی تری دارد تا شنونده یا مفعول عمل. نمونه‌های بالا نگاه متفاوت سخن‌گویان زبان فارسی و روسی را به حرکت در مکان نشان می‌دهند. خطاهایی را که در بالا از آنها صحبت شد، می‌توان به عنوان خطاهای مقوله‌ی "پذیرفتنی بودن" دسته‌بندی نمود، زیرا در آنها جمله‌های دانشجویان ایرانی که در آنها به جای پیشوند *при*- پیشوندهای *по*- و *у*- به کار رفته‌اند، به هر حال از نظر دستوری درست‌اند، هرچند که در مخاطب روس یا ایجاد سوء تفاهم می‌کنند یا منظور دیگری را می‌رسانند. از نظر "به‌جا بودن" نیز در نمونه‌های بالا واحدهای زبانی "نابه‌جا" به کار رفته است و واژه‌ها و عبارات‌های به‌کاررفته در آنها در بافت مربوط به خود قرار دارند.

تفاوت در مقوله‌ی زمان

همانگونه که می‌دانیم در زبان‌های گوناگون مرز میان دو شبانه‌روز به روش‌های گوناگونی ترسیم می‌شود. مثلاً آغاز شبانه‌روز تازه می‌تواند زمان‌های زیر باشد:

۱- برآمدن آفتاب (قاعده کتاب مقدس و نیز اسلام)

۲- فرارسیدن نیمه‌شب (رسمی و قانونی)

۳- لحظه‌ی از خواب برخاستن فرد پس از خواب شبانه (تصوّر معمول) (شملیف ۵۶).
طبقه‌بندی بالا کاملاً منطقی به نظر می‌رسد. اما در آموزش یک زبان خارجی مسئله آن است که باید دقیقاً روشن نمود کدام یک از معیارهای بالا در میان سخن‌گویان زبان مورد آموزش معیار اصلی به شمار می‌رود. مثلاً در زبان روسی می‌توان گفت:

Сегодня он не спал. امشب من خیلی بد خوابیدم. *Сегодня я очень плохо спал* / *здесь спал* امشب اینجا نخوابید.

Ты заметил, какой сильный дождь шёл сегодня ночью?

تو متوجه شدی که امشب چه باران تندی می‌آمد؟ (هنگامی که منظور شب گذشته است)
ترکیب (*сегодня ночью*) (*сегодня*) به معنای مستقیم/مشب در جملات بالا در زبان روسی به معنای بخشی از شبانه‌روز، تقریباً مابین ۱۲:۰۰ شب تا ۶:۰۰ صبح امروز تقویمی است (پایان این بخش از شبانه‌روز در فصل‌های مختلف متفاوت است). حال آن که در زبان فارسی این بخش از شبانه‌روز (و دقیقاً تا پیش از سپیده‌دم) متعلق به دیروز است. بنا بر این برای نشان دادن این بخش از شبانه‌روز در زبان فارسی واژه‌ی دیشب به کار می‌رود که معادل واژگانی آن ترکیب *вчера ночью* (شب گذشته) است.

به سخن دیگر آن بخش از شبانه‌روز که برای روس‌زبان‌ها می‌تواند امروز به شمار بیاید، برای ایرانی‌ها دیروز است. به همین دلیل است که واژه‌ی فارسی‌ای که معادل تحت‌اللفظی ترکیب روسی *сегодня ночью* است، یعنی واژه‌ی *امشب*، تنها می‌تواند شب پیش رو یا جاری را نشان دهد. در نتیجه در زبان فارسی در طول روز به کار بردن فعل زمان گذشته با واژه‌ی *امشب* امکان‌پذیر نیست. می‌توان شگفت‌زدگی فراوان یک روسی‌آموز ایرانی را تصوّر نمود که تعریف درستی از این ترکیب (*сегодня ночью*) را در هیچ فرهنگ روسی به فارسی نیافته و توضیح مناسبی نیز از استادانش در این باره دریافت نکرده است. تا آنجا که جستجوهای ما نشان می‌دهد، تا پیش از انتشار ویراست جدید فرهنگ روسی به فارسی و اسکانیان که نگارنده آن را با همراهی مؤلف ویرایش نمود (واسکانیان، ۱۳۹۱)، در همه‌ی فرهنگ‌های روسی به فارسی و فارسی به روسی ترکیب روسی *сегодня ночью* تنها به *امشب* معنی شده است و معنای دیگر آن، یعنی *دیشب* در هیچ یک از فرهنگ‌ها، به جز فرهنگ یادشده، ذکر نشده است.

گمراهی‌ها و خطاهای پرشمار که در کلاس‌های درس و هنگام نشان دادن مفاهیمی بروز می‌کنند که با واژه‌های *вечер* و *ночь* بیان می‌شوند، نیز از همین‌جا ریشه می‌گیرند. برپایه‌ی تصوّر رایج در میان دانشجویان ایرانی واژه‌ی *вечер* را روس‌زبان‌ها برای اشاره به نیمه‌ی دوّم روز، تا پیش از فرا رسیدن تاریکی یا اندکی پس از آن به کار می‌برند (معادل واژه‌های فارسی *عصر* و *سرخسب*)، و واژه‌ی *ночь* را برای اشاره به ساعت‌های تاریک شبانه‌روز که پس از غروب خورشید آغاز می‌شود. جمله‌های زیر نمونه‌هایی از خطا در کاربرد واژه‌های *ночь* و *вечер* و قیده‌های ساخته‌شده از آنها است که در کلاس‌های درس یادداشت شده‌اند:

Сегодня ночью мы пойдём к вам в гости.

امشب (نصف شب) ما برای مهمانی نزد شما می‌آئیم.

Вчера ночью мы ходили в кино.

دیشب (نصف شب) ما به سینما رفته بودیم.

Обычно по ночам мы вместе смотрим телевизор.

معمولاً ما (نصف) شبها با هم تلویزیون نگاه می‌کنیم.

در درستی همه‌ی جمله‌های روسی بالا از دید دستور زبان تردیدی وجود ندارد. اما همه‌ی آنها از نظر کاربرد و هنجارهای گفتاری "ناهنجارمند" (یا بر پایه‌ی اصطلاحات

کوردر "پذیرفتنی" هستند. زیرا در زبان روسی واژه‌ی *ночь* برای بیان زمان خواب به کار می‌رود و واژه‌ی *вечер* که در تصوّر نادرست دانشجویان ایرانی به معنی عصر یا سرشب است، نشان‌دهنده‌ی زمان بیداری در هنگام تاریکی است.^۱ همین نکته نمونه‌ی روشن و قاطعی است برای نشان دادن نامناسب بودن روش‌هایی که نگاه‌های متفاوت به جهان بیرونی و کارکرد واحدهای زبانی را نادیده گرفته و عمدتاً بر ارائه‌ی ساختار زبان تکیه می‌کنند.

ناهم‌گونی‌های زمانی میان این دو زبان را می‌توان در کاربرد فعل‌های پرکاربردی مانند *опоздать* (دیر کردن) نیز دید. هنگامی که از یک فرد روس‌زبان سؤال می‌شود: *Куда ты спешишь? (کجا با این عجله؟)*، او احتمالاً این‌گونه پاسخ خواهد داد: *(Я опаздываю (на работу, на занятия и т.д.) (دارم می‌روم سر کار، سر کلاس ... من دیرم شده))*، یعنی در روسی برای بیان این موضوع از فعل زمان حال استفاده می‌شود. اما در زبان فارسی اگر فرد به چنین پرسشی با فعل زمان حال پاسخ بگوید، یعنی آن‌گونه که در زبان روسی رایج است (من دیر می‌کنم)، آنگاه پاسخ او بسیار عجیب یا حتی خنده‌آور به نظر می‌رسد. در زبان فارسی در چنین موقعیتی معمولاً فعل زمان گذشته‌ی نقلی به کار می‌رود: من دیرم شده. از همین‌جا روشن می‌شود که چرا در گفتار دانشجویان ایرانی در بیشتر نزدیک به همه‌ی موارد جمله‌ی *Я уже опоздал* شنیده می‌شود که از نظر کاربرد خطا است. از سوی دیگر اگر در چنین موقعیتی به یک فرد روس‌زبان با فعل زمان گذشته پاسخ دهند، یعنی آن‌گونه که در گفتار دانشجویان ایرانی شنیده می‌شود، آنگاه کاملاً محتمل است که این فرد پاسخ دهد:

۱. البته حتی در فرهنگ معروف اوژیکوف و شوِدووا واژه‌ی *ночь* اینگونه تعریف شده است: "بخشی از شبانه‌روز از غروب تا برآمدن خورشید" (اوژیکوف، شوِدووا ۳۹۲). اما این تعریف به گواه جمله‌های بالا و نمونه‌های پرشمار دیگر، نشان‌دهنده معنای کاربردی این واژه در زبان زنده‌ی امروز نیست. یک دلیل آن که هر فرد روس‌زبان با خواندن یا شنیدن جمله‌هایی از نوع جمله‌های بالا به این نتیجه خواهد رسید که گوینده و اطرافیان او رفتار عجیبی دارند که نیمه‌شب به مهمانی می‌روند، به سینما می‌روند و به تماشای تلویزیون می‌نشینند. مؤلف فرهنگ روسی به فارسی یادشده نیز که به خوبی به زبان فارسی آشنا است، با شنیدن استدلال‌های نگارنده و آوردن چندین نمونه، پذیرفت که معادل *دیشب* نیز در مدخل واژه‌ی *ночь* افزوده شود. دلیل دوم آن که در فضای "رونِت" یا اینترنت روسی توضیح زیر در تعریف واژه‌ی *ночь* شب تکرار می‌شود: "در آداب معاشرت کاری امروز شب، صرف نظر از موقعیت خورشید، فاصله‌ی زمانی میان ساعت ۲۳:۰۰ تا ۶-۵ است!"

В современном деловом этикете ночью, независимо от положения Солнца, считается промежуток от 23 часов до 5-6 часов.

اگر شما دیر کرده‌اید، پس دیگر چرا باز هم عجله می‌کنید؟!

А если вы уже опоздали, то почему всё ещё спешите?!

باید توجه کرد که همچون پاراگراف قبلی، در اینجا نیز همه‌ی نمونه‌های آورده‌شده از گفتار دانشجویان ایرانی از نظر دستوری درست هستند، اما در عین حال نپذیرفتنی‌اند.

تفاوت در توزیع (بسامد) واژه‌ها و عبارتهای نزدیک از نظر معنایی

همانگونه که بالاتر (بخش ۳) گفته شد، مفهوم "به‌جا بودن" اشاره به آن دارد که "جمله نه تنها باید پذیرفتنی باشد، بلکه باید مناسب هم باشد، یعنی در یک بافت مشخص به‌جا و مفهوم باشد" (کوردر ۲۷۲؛ تأکید از نگارنده است). از آنجا که "دستوری بودن" یک گفته مفهوم نسبتاً روشنی است^۱، ما در اینجا می‌کوشیم توضیح دهیم که تفاوت "به‌جا بودن" با مفهوم "پذیرفتنی بودن" یا به قول آروتیونوف "هنجارمند بودن" در چیست. بنا به تعریف، "هنجارمند بودن" مستلزم هماهنگی یک گفته با هنجارهای رفتار زبانی در میان سخنگویان زبان است (آروتیونوف ۱۴۷). این مفهوم از زبان آموز می‌خواهد تا اطلاعات جنبی نیز داشته باشد، این اطلاعات مجموعه‌ای است از دانسته‌های مربوط به هنجارها و سنت‌های ارتباط زبانی: در فرهنگ زبان خارجی چگونه باید از این یا آن پدیده سخن گفت. این اطلاعات موضوع پیام نیستند، اما از روی بی‌توجهی به آنها می‌توان یک خارجی را شناخت، این هنگامی است که در واکنش به گفته‌ی یک خارجی سخنگویان زبان معمولاً می‌گویند: هنگامی که با .../ در باره موضوع .../ در موقعیت ... حرف می‌زنیم، ما معمولاً جور دیگری می‌گوئیم، معمولاً جور دیگری می‌نویسیم (آروتیونوف ۱۲۱-۱۲۰). مثالی که در جمله‌ی پیش آورده شده، به نظر ما به‌روشنترین وجه نشان می‌دهد که هنگامی که صحبت از "هنجارمند بودن" یک گفته است، دقیقاً چه چیزی مورد نظر است. تجربیات شخصی نگارنده در دوران اقامت و تحصیل در روسیه نیز نشان می‌دهد که هنگامی که روس‌زبان‌ها می‌گویند:

(просто) мы так не говорим

ما اینجوری حرف نمی‌زنیم نشان‌دهنده آن است که:

- ۱- گفته "درست" است، یعنی از دید دستور زبان "خوشساخت" به شمار می‌رود؛
- ۲- گفته برای سخنگوی زبان روسی مفهوم است، زیرا هم‌صحبت روس توضیح

۱. رعایت قواعد همنشینی و جانشینی در زبان مورد آموزش " (آروتیونوف ۱۴۷).

نمی‌خواهد؛ گونه‌ی دیگری از گفته که آن را هم صحبت روس به عنوان گونه‌ی رایج در میان خودشان بیان می‌کند، عمدتاً از نظر ترکیب واژه‌ها و ساخته‌ای به‌کاررفته، از نظر کاربرد واژه‌های نزدیک از نظر معنایی، از نظر آرایش واژه‌ها و مانند اینها با گفته‌ی فرد خارجی تفاوت دارد.

نمونه‌هایی را که برای نشان دادن هنجارمندی/ناهنجارمندی آورده شدند، ما برای توصیف و درک این مفهوم کافی می‌دانیم.

اما "به‌جا بودن" یک گفته را موقعیت تعیین می‌کند. گفته‌های "نابه‌جا" گفته‌هایی هستند که در خود خطاهای پوشیده دارند (کوردر ۲۷۲-۲۷۳) و از نظر ارتباطی خطا هستند. اما گفته‌های دارای خطای پوشیده کدام‌اند؟ "گفته‌ای که از نظر ارتباطی خطا است، از دید ساخت زبانی می‌تواند کاملاً درست باشد. در این حالت با وجود خوش‌ساخت و خوش‌ترکیب بودن، این جمله با بافتی که در آن به کار رفته هم‌خوانی نداشته و قصد گوینده را نمی‌رساند. از آنجا که علت خطا در این حالت بلافاصله روشن نمی‌شود، بلکه تنها پس از تحلیل دقیق با به‌کارگیری بافتار گسترده می‌توان آن را یافت، اینگونه خطاها را خطاهای پوشیده می‌نامند" (نچایف ۵۷).

با تکیه بر مطالب پیش‌گفته، ما تعریف دقیق "به‌جا بودن" یک گفته را این‌گونه بیان می‌کنیم:

گفته‌های نابه‌جا عبارت‌اند از:

الف) گفته‌های درست از دید دستور زبان (خوش‌ساخت)،

ب) هنجارمند (خوش‌ترکیب)،

پ) که سخن‌گویان زبان آنها را در موقعیت مورد نظر به کار نمی‌برند.

یکی از رایج‌ترین نمونه‌های خطا در رعایت به‌جا بودن گفتار در میان دانشجویان ایرانی کاربرد پربسامد واژه‌های *извините/ простите* = ببخشید است. توضیح آن که در زبان روسی مجموعه‌ی کاملی از ابزارهای بیان پوزش، درخواست محترمانه، درخواست توضیح یا جلب توجه هم‌صحبت، رهگذر و مانند اینها وجود دارد، مانند:

Вы + (отрицательная частица) не + гл. сов. в. в будущем вр.:

Девушка! Вы не скажете

... خانم! شما نخواهید گفت ...

Молодой человек! Вы не подскажете

... آقا! شما راهنمایی نخواهید کرد ...

و یا:

Скажите, пожалуйста

!بگوئید، لطفاً!

(به ویژه برای درخواست توضیح، هنگامی که گوینده پرسش خود را تکرار می کند)

جمله‌های قالبی دیگر:

Будьте добры!

مهربان باشید

Будьте любезны!

لطف داشته باشید!

در وسایل حمل و نقل همگانی:

Вы (не) выходите?

شما پیاده میشین (نمیشین)؟

Разрешите (пожалуйста)!

(لطفاً) اجازه بدین!

(برای توضیحات بیشتر در باره این جمله‌های قالبی نک. فارمانوفسکایا، ۲۰۰۲).
جمله‌ها و عبارتهای بالا به عمد ترجمه‌ی تحت‌اللفظی شده‌اند تا فاصله‌ی معنای
واژگانی آنها با برابره‌های موقعیتی و کاربردی آنها در فارسی بهتر دریافت شود. به
هر روی، با وجود آن که زبان فارسی زبانی است که از نظر تنوع عبارتهای محترمانه
بسیار غنی است، اما این عبارتها به ندرت در میان افراد ناآشنا به کار می‌روند. به
عنوان نمونه، به جای هم‌ی عبارتهایی که در بالا آمدند، در موقعیتهای مشابه در
زبان فارسی تنها واژه‌ی ببخشین (ببخشید) به کار می‌رود. حتی اگر در موقعیتی یک
ایرانی بخواهد از دیگر عبارتهای محترمانه استفاده کند، معمولاً جمله‌ی خود را باز هم
با واژه‌ی ببخشید آغاز می‌کند. مثلاً هنگام ورود به اتاق کار در زبان روسی معمولاً
تنها واژه‌ی اجازه هست؟ = *можно* با آهنگ پرسشی شنیده می‌شود، اما در زبان
فارسی پیش از این واژه در بسیاری اوقات واژه‌ی ببخشید نیز اضافه می‌شود: ببخشید،
اجازه هست؟ در نتیجه هنگامی که دانشجویان ایرانی در درس‌ها، در اتاق گروه یا در
راهرو می‌خواهند با استادان به زبان روسی صحبت کنند، در بسیاری اوقات در گفتار
آنها اینگونه عبارتها شنیده می‌شود که در روسی یا بسیار نادرند و یا اصلاً شنیده

نمی‌شوند:

Извините, можно?

Извините, вы не скажете ...

Извините, скажите, пожалуйста ...

Извините, будьте добры ...

بدیهی است که شنیدن اینگونه عبارتها برای روس زبانها تعجب‌برانگیز است، زیرا مطابق آداب معاشرت زبانی روسی کاربرد واژه‌ی *извините* (ببخشید) در آنها "نابه‌جا" است. اما، برعکس، مطابق آداب معاشرت زبانی ایرانیها آغاز کردن پرسش یا خواهش بدون واژه‌ی ببخشید غیرمؤدبانه یا دست کم بسیار کم کاربرد است.

از دید روش آموزش زبان‌های خارجی در اینجا ضرورت بسیاری وجود دارد که به شیوه‌ای مناسب توجه زبان‌آموزان به ناهمگونی در کاربرد واحدهای زبانی نزدیک از نظر معنایی در زبان مادری و زبان مورد آموزش جلب شود، زیرا "کسانی که زبان خارجی را بیرون از فرهنگ زبانی مناسب یاد می‌گیرند، نیازمند راهبردهای آگاهانه‌ی آموزش اصول رفتار محترمانه هستند که مرحله‌ی مهمی در فرهنگ‌پذیری به شمار می‌رود" (گارادسکایا ۹).

نمونه‌ی دیگر گفته‌های خطا از دیدگاه "به‌جا بودن" کاربرد ضمیرهای ملکی همراه با واژه‌هایی است که به اعضای خانواده و یا به آشنایان اشاره می‌کنند. در زبان فارسی، بر خلاف زبان روسی، هنگام صحبت از اعضای خانواده و بستگان، گوینده در بیشتر موارد از ضمیرهای ملکی استفاده می‌کند. با وجود آن که در میان ضمیرهای روسی و فارسی تفاوت چندانی (البته به جز مقوله‌ی جنس و حالت دستوری) دیده نمی‌شود، با این حال بسامد کاربرد آنها بسیار متفاوت است. همان‌گونه که لادو نوشته است: "گاه یک ساخت که از نظر معنا و صورت دشواری خاصی به وجود نمی‌آورد، تنها به دلیل تفاوتی که میان دو زبان از نظر توزیع آن وجود دارد، مشکل‌ساز می‌شود" (لادو ۶۶). چنین خطاهایی طبیعتاً در دوره پیش‌دانشگاهی یا نیم‌سالهای آغازی پدیدار می‌شوند، اما غالباً تا پایان تحصیل باقی می‌مانند. این جمله‌ای است که دانشجویان در درس گفت و شنود در سال دوم می‌سازند:

می‌توانم دوست خود را (دوستم را) با خودم بیاورم؟

Могу ли я взять с собой своего друга?

روشن است که کاربرد ضمیر ملکی (*своего*) در اینجا نالازم است. در درس‌های

گفت و شنود در دوره پیش‌دانشگاهی موضوع *Немного о себе* (اندکی درباره‌ی

خود صحبت کنید) از موضوعاتی است که حتماً تمرین می‌شود. مطابق مشاهدات ما همه‌ی دانشجویان بدون استثنا در صحبت از افراد خانواده از ضمیرهای ملکی استفاده می‌کنند:

... مادرم ... *Моя мать*

... برادرم ... *Мой брат*

... پدرم ... *Мой отец*

در این موارد استادان غالباً توجهی به این نکته ندارند که در زبان روسی، بر خلاف زبان فارسی، هنگام نامیدن اعضای خانواده و بستگان کاربرد ضمیر ملکی الزامی نیست. به سخن دیگر، در زبان روسی تکواژ صفر در این گونه عبارتها نقش ضمیر ملکی را ایفا می‌کند، پس اگر در زبان روسی بگویند:
دختر از من خواست ...

Дочь меня попросила ...

منظور آن است که: دخترم از من خواست ...

Моя дочь меня попросила ...

و یا:

برادر در کارخانه کار می‌کند.

Брат работает на заводе.

به معنای آن است که:

برادرم در کارخانه کار می‌کند.

Мой брат работает на заводе.

و نمونه‌های دیگر از این دست (نک. نمونه‌ی تمرین‌های جانشینی در میترا فانوا (۳۱). در میان خطاهایی که نگارنده گرد آورده است، خطاهای دیگری نیز هست که نشان‌دهنده نقض هنجارهای بسامد واحدهای زبانی در زبان روسی هستند. این خطاها عمدتاً مربوط به طبقه‌ی دستوری صفت هستند. در زبان روسی صفت به عنوان یکی از بخش‌های سخن تا اندازه‌ی بسیاری با صفت در زبان فارسی تفاوت دارد. در زبان فارسی صفت فاقد مقوله‌های دستوری جنس و شمار است. بسیاری از صفت‌ها در زبان فارسی نشانه‌های صوری ندارند تا به‌گونه‌ی روشنی تعلق آنها را به این دسته

از بخشهای سخن نشان دهد، از این رو آنها به سادگی در معرض روند قیدشدگی قرار می‌گیرند و در نقش ظرف‌های گوناگون در زبان رفتار می‌کنند. نزدیک به سه دهه خواندن، آموزش و ترجمه از زبان روسی نگارنده را به این نتیجه رسانده که جدا از تفاوت‌های ساختی باید گفت در زبان فارسی، در مقایسه با زبان روسی، ترکیب‌های وصفی کمتر به کار می‌روند. گرایش نیرومند میان دانشجویان ایرانی برای استفاده از ساخت‌های اضافی در جمله‌هایی که در آنها در زبان روسی ترکیب‌های وصفی به کار می‌رود، از همین جا ریشه می‌گیرد. البته در زبان روسی نیز مواردی وجود دارد که در آنها هر دو ساخت (ترکیب اضافی و ترکیب وصفی) امکان‌پذیرند، مانند:

پرتو آفتاب = *Солнечный луч – луч солнца*

موجهای دریا = *Морские волны – волны моря*

اما آنچه در اینجا مورد نظر است، ترکیب‌هایی است که در زبان روسی تنها به صورت ترکیب وصفی به کار می‌روند، مانند دو ترکیب بسیار معروف زیر:

دریای خزر = *Каспийское море*

خلیج فارس = *Персидский залив*

هر دو نمونه‌ی بالا که در زبان روسی ترکیب‌های وصفی هستند، در زبان فارسی با ترکیب اضافی بیان می‌شوند، یعنی دریای خزر و خلیج فارس. به تأثیر این ویژگی زبان فارسی دانشجویان در گفتار روسی خود از ترکیب‌های اضافی بیش از آن استفاده می‌کنند که در زبان روسی "به‌جا" است. نمونه‌های زیر از این دست‌اند:

Время работы

(برای رساندن مفهوم *рабочее время* (ساعت یا طول مدت کار))

Годы школы

(که منظور *школьные годы* (سالهای مدرسه) است)

Месяцы зимы

(که صورت درست آن *зимние месяцы* (ماههای زمستان) است)

Слеза счастья

(که صورت درست آن *счастливые слёзы* (اشک شادی / خوشبختی) است)

Сила работы

(که صورت درست آن *рабочая сила* (نیروی کار) است)

*Завод металлургии

(که صورت درست آن металлургический завод (کارخانه‌ی ذوب آهن) است)

*Урок сегодня

(که صورت درست آن сегодняшний урок (درس امروز) است)

و جالب‌ترین این نمونه‌ها:

2016 = две тысячи шестнадцать

(که صورت درست آن две тысячи шестнадцатый (دو هزار و شانزدهم) است. توضیح آن که سال در روسی با عدد ترتیبی گفته و نوشته می‌شود که نوعی صفت است)

باز هم باید یادآوری نمود که در نمونه‌های بالا نیز، به جز دو نمونه‌ای که مطابق قاعده با ستاره مشخص شده‌اند، دیگر نمونه‌ها از نظر دستوری "درست" هستند و آنچه آنها را خطا می‌نمایاند، نه قواعد دستوری، بلکه هنجار کاربرد زبانی است که در آنها رعایت نشده است.

ناهمگونی در مقوله‌ی شمار در اسم‌ها

مقوله‌ی شمار یکی از نمودهای مقوله‌ی بسیار عام‌تر کمیت به شمار می‌رود که منظور از آن، مجموعه‌ی ابزارهای زبانی بیان معانی مرتبط با کمیت است (گاک، کوزنتسوف ۹۳). بیان روابط کمی در زبان از همگانی‌های زبان است. اما همگانی بودن معانی کمی به معنی همگانی بودن ابزارهای بیان آنها نیست: در این باره ناهمگونی‌های فراوانی میان زبان‌های مختلف، و از جمله میان زبان‌های روسی و فارسی، وجود دارد.

مفهوم جمع/مفرد در زبان فارسی گاه با این مفهوم در زبان روسی متفاوت است. یکی از نخستین کسانی که متوجه این نکته شد، ایران‌شناس فقید روس، لازار پیسیکوف بود. وی در کتاب منحصر به فرد خود "لهجی‌تهرانی" می‌نویسد: "در زبان فارسی مفهوم جمع و مفرد در اسم، حتی صرف نظر از نشانگذاری صرفی‌شان، به هیچ وجه به‌طور روشن قابل تشخیص نیست. اسم بینشان غالباً مفهوم یک مجموعه یا مفهوم عام یک نوع تفکیک نشده را بیان می‌کند. اسمی که با نشانه‌ی جمع نشاندار شده است، گاه در نقش مفرد عمل می‌کند. نبود کامل مطابقت میان اسم و وابسته‌ی آن در شمار، نبود تقریباً کامل مطابقت میان نهاد و گزاره هنگامی که صحبت از اشیاء بی‌جان است، و بی‌نظمی در مطابقت میان نهاد "جاندار" و گزاره این مسئله را تأیید می‌کند. مثلاً واژه‌های

sib = سیب و *mory* = مرغ، اگر ضرورتی در تأکید بر جمع بودنشان وجود نداشته باشد، در کنار معنای سیب و مرغ می‌توانند معنای سیب‌ها و مرغ‌ها را نیز برسانند. در این موارد فقدان ابزار صوری صرفی برای بیان مقوله‌ی جمع، با بهره‌گیری از گونه‌های متنوع بیان نحوی آن جبران می‌شود" (پیسیکوف ۵۸). از این رو است که هنگامی که استاد در کلاس می‌پرسد: *вопросы есть?* = *سؤال‌ها هست؟ و یا *вопросов нет?* = *سؤال‌ها نیست؟، دانشجویان شروع به پرسش از یکدیگر می‌کنند: "چرا *вопросы* یا *вопросов* سؤال‌ها؟". دلیل تعجب دانشجویان روشن است: در زبان فارسی در چنین موقعیتی، بر خلاف زبان روسی، از اسم مفرد استفاده می‌شود.

نمونه‌ی دیگر از ناهمگونی در مقوله‌ی شمار میان زبان‌های روسی و فارسی آن است که: "در زبان فارسی هیچ طبقه‌ای از اسم‌ها وجود ندارد که صورت جمع نداشته باشند" (روبینچیک ۱۰۸). از این رو در گفتار روسی دانشجویان ایرانی این گونه عبارت‌ها بسیار شنیده می‌شود که همگی در زبان روسی به دلیل نشمردنی بودن اسم‌هایی که در آنها به کار رفته، از نظر کاربرد خطا هستند:

**опыты жизни*

**трудные склонения/ спряжения I*

**много снегов*

**вóды вылились*

برخی از دیگر خطاهای رایج که در آنها صورت جمع اسم (که در زبان روسی به کار نمی‌رود) به جای صورت درست مفرد آمده، نمونه‌های زیرند:

**белья* (در معنای جمع)

**одежды* (در معنای جمع)

**мужчина моих мечт мечты* (به جای)

اما نمونه‌های زیر پدیده‌ی وارونه‌ای را نشان می‌دهند: کاربرد صورت مفرد در جایی که در زبان روسی تنها صورت جمع به کار می‌رود:

(عنوان شغل که در آن باید *ковров* به کار رود) **чистка ковра*

۱. دو واژه‌ی *склонение* و *спряжение* در معنای "عمل صرف اسم و فعل" جمع بسته نمی‌شوند. اما در معنای یک صیغه‌ی خاص از صرف یک اسم یا یک فعل صورت جمع دارند. به همین ترتیب واژه‌ی *опыт* نیز در معنای "تجربه" جمع بسته نمی‌شود، اما در معنای "آزمایش" دارای صورت جمع است.

*слеза счастья (منظور *счастливые слёзы* است)

*никакой вести не приходило. (به جای *никаких вестей*)

*иногда я хожу в поход в горы с друзьями. (منظور *походы* است)

*В праздничные дни по улице Горького не ходят машина, автобус, троллейбус. (به جای *машины, автобусы, троллейбусы*)

*Профессор, который принимал экзамен, сказал Анне Васильевне, что у Юры большая способность.

در اینجا *экзамены* و *большие способности* (به جای صورت‌های درست

صحبت از چند امتحان است)

Что ты обычно делаешь по вечерам? – **Читаю книгу.* (به جای *книги*)

У него интересная работа. **Часто ездит в командировку.*

(به جای *командировки*)

* *У неё математическая способность.*

(به جای *математические способности*)

در زبان فارسی، بر خلاف زبان روسی، هنگامی که از تولید، بازرگانی، امور واردات و صادرات سخن می‌رود، کالاها/ محصولات برشمرده در شکل مفرد خود به کار می‌روند؛ این پدیده در نمونه‌ی زیر که در کنار دیگر نمونه‌های همانند آن یکی از موارد خطاهای بسیار پایدار است، نشان داده می‌شود:

**Компания ... предлагает ксерокс, телефон, телефакс, компьютер.*

(به جای *ксероксы, телефоны, телефаксы, компьютеры*)

چه در نمونه‌های آورده شده و چه در دیگر نمونه‌هایی که ما گرد آورده‌ایم، شمار اینگونه خطاها بسیار چشم‌گیر است، زیرا در زبان فارسی، در مقایسه با زبان روسی، صورت جمع کاربرد کمتری دارد. اما تنها توضیح نمی‌تواند از بروز این خطاها پیشگیری کند، زیرا قاعده‌ی مشخصی وجود ندارد تا برپایه‌ی آن بتوان برای دانشجویان ایرانی توضیح داد که کجا، بر خلاف هنجارهای زبان فارسی، کاربرد صورت مفرد در زبان روسی مجاز است و کجا مجاز نیست. آنچه در این باره به نظر ما می‌تواند مؤثر باشد، رعایت یکی از اصل‌های بنیادین آموزش زبان است: یادگیری واژگان و ساخت واژه بر پایه‌ی نحو (کاستاماروف، میترا فانووا ۳۲).

پدیده‌ی باز هم جالب‌تری نیز در میان نمونه‌ها وجود دارد که مربوط به طبقه‌ی اسم‌ها نمی‌شود، اما با این حال گواه دیگری است بر تفاوت‌های زبانی-فرهنگی میان زبان‌های روسی و فارسی. در زبان روسی در صحبت از خانه‌ی خود به‌سادگی می‌توان از ضمیر ملکی مفرد استفاده نمود. اما در زبان فارسی این پدیده بسیار نادر است. هنگام صحبت از این موضوع ایرانی‌ها معمولاً می‌گویند *خانه‌ی ما*. البته در صورتی که فرد تنها زندگی کند، آنگاه استفاده از ضمیر ملکی مفرد طبیعی است. این که برای دانشجویان ایرانی به زبان آوردن ترکیب *мой дом = خانه‌ی من* دشوار است، از همین‌جا ریشه می‌گیرد. اگر آنها از روی کتاب متن نخوانند و یا گفت‌وگوی از پیش آماده‌ای را اجرا نکنند، غالباً ترجیح می‌دهند از ترکیب *наш дом = خانه‌ی ما* استفاده کنند. به نظر ما این پدیده را می‌توان به عنوان یکی از مواردی در نظر گرفت که در آنها "ضرورت بسیاری" در استفاده از مقایسه و توضیح تفاوت در کاربرد این ساخت برای دانشجویان وجود دارد (کاستاماروف، میترا فانووا ۶۱).

نتیجه‌گیری

بر پایه‌ی همه‌ی آنچه گفته شد، روشن می‌شود که در آموزش زبان روسی به دانشجویان ایرانی تنها ارائه‌ی صورتی مطالب و ازگانی-دستوری، توضیح قواعد زبان بیرون از بافت و بدون اشاره به کارکرد صورت‌ها و ساخته‌ای زبانی مورد آموزش در ارتباط طبیعی، بدون در نظر گرفتن تفاوت‌های زبانی-فرهنگی میان زبان‌های روسی و فارسی، یکی از دلایل اصلی ماندگاری خطاهایی از انواع یادشده در بالا است. مقالهی ارائه‌شده با پیش‌گذارن مفاهیمی همچون پذیرفتنی بودن، هنجارمند بودن و به‌جا بودن که در بیشتر نزدیک به همه‌ی موارد در آموزش زبان روسی در ایران نادیده گرفته می‌شوند، می‌تواند گامی باشد در بالا بردن کارایی آموزش زبان روسی به دانشجویان ایرانی.

منابع

- Арутюнов А.Р.** *Теория и практика создания учебника русского языка для иностранцев*. М.: Русский язык, 1990.
- Верещагин Е.М., Костомаров В.Г.** *Язык и культура: лингвострановедение в преподавании русского языка как иностранного*. М.: Русский язык, 1990.
- Верещагин Е.М., Костомаров В.Г.** *В поисках новых путей развития лингвострановедения: концепция рече-поведенческих тактик*. М.: Гос. ИРЯ им. А. С. Пушкина, 1999.
- Гак В.Г.** "Аналитизм". *Лингвистический энциклопедический словарь*. М.: Советская энциклопедия, 1990. с. 31.
- Гак В.Г., Кузнецов С.Н.** "Опыт сравнительно-типологического анализа категории числа". *Теория и практика обучения русскому языку иностранных студентов-филологов: Сб. статей*. М.: Русский язык, 1984. с. 93-105.
- Городецкая Л.А.** "Межкультурная компетентность личности: экспериментальное исследование". *Вестник МГУ. Сер. 19. Лингвистика и межкультурная коммуникация*. (2008). № 2, с. 9-17.
- Костомаров В.Г., Митрофанова О. Д.** *Методическое руководство для преподавателей русского языка иностранцам*. М.: Русский язык, 1988.
- Лопатин В.В., Улуханов И.С.** "Русский язык". *Русский язык. Энциклопедия*. Главный редактор Ю.Н. Караулов. М.: Большая Российская энциклопедия; Дрофа, 1997. с. 437- 444.
- Мошкало В.В.** "Персидский язык". *Лингвистический энциклопедический словарь*. М.: Советская энциклопедия, 1990. с. 372.
- Нечаева Е.В.** *Причины возникновения и некоторые способы устранения ошибок иностранцев, овладевающих русским языком*. Дисс. ... канд. педагог. наук. М., 1990.
- Ожегов С.И., Н.Ю. Шведова.** *Толковый словарь русского языка*. 4- издание, дополненное. М.: "А темп", 2013.

Прохоров Ю.Е. *Национальные социокультурные стереотипы речевого общения и их роль в обучении русскому языку иностранцев.* М.: ЛКИ, 2008.

Рубинчик Ю.А. *Грамматика современного персидского литературного языка.* М.: "Восточная литература" РАН, 2001.

Формановская Н.И. *Русский речевой этикет: нормативный социокультурный контекст.* М.: Русский язык, 2002.

Шмелев А.Д. *Русская языковая модель мира. Материалы к словарю.* М.: Языки славянской культуры, 2002.

Шоджаи Мохсен *Пути и способы повышения эффективности обучения русскому языку как иностранному в Иране (начальный этап).* Дисс. ... канд. педагог. наук. М., 2008.

Brown, H. Douglas *Principles of Language Learning and Teaching.* New York: Pearson Education, 2007.

Corder S. Pit. *Introducing Applied Linguistics.* Harmondsworth: Penguin Education, 1973.

Crystal, David. *A Dictionary of linguistics and Phonetics.* BlackWell Publishing, 2008. p. 24- 25.

Lado, Robert *Linguistics across Cultures: Applied Linguistics for Language Teachers.* Ann Arbor: The University of Michigan Press, 1957.

Trim, John L. M. *Modern Languages in the Council of Europe 1954-1997.* Strasbourg: Council of Europe, Language Policy Division, 2007.

Whong, Melinda. "A Linguistic Perspective on Communicative Language Teaching". *The Language Learning Journal.* 41. 1. (۲۰۱۳). pp. ۱۱۵-۱۲۸.

پیسیکوف، لازار سامویلوویچ. لهجه تهرانی. ترجمه محسن شجاعی. ویراستار علمی دکتر علی اشرف صادقی. تهران: نشر آثار فرهنگستان زبان و ادب فارسی، ۱۳۸۰.
واسکانیان، گرانت آوانسوویچ. فرهنگ روسی به فارسی. ویراستار و دستیار: محسن شجاعی. تهران: فرهنگ معاصر، ۱۳۹۱.

بررسی عناصر و شیوه‌های نو داستانی در *رمان از سرگیری*، اثر آلن رب‌گریه آندیا عبایی^۱

چکیده

آلن رب‌گریه^۱ در سال ۱۹۸۱ اعلام کرد دیگر قصد ندارد به نگارش رمان ادامه دهد و این در حالی بود که او اندکی پیش از هشتاد سالگی خود (در سال ۲۰۰۱) رمانی به نام *از سرگیری*^۲ را منتشر کرد. عنوان این رمان، ملهم از کی‌یرکگور^۳ است و رب‌گریه در آن از تمایز میان به خاطر آوردن یا یادآوری و از سرگیری پیروی کرده: مفهوم اول، در معنای "از سرگیری رو به عقب" درک می‌شد در حالی که "از سرگیری در معنای واقعی، یادآوری رو به جلو دانسته می‌شد." رب‌گریه از خلال روش‌های مختلف روایی همچون تنوع و تغییرپذیری سطوح گفتاری و روایی در صدد بود تا با *از سرگیری*، "رمان نو" را تخریب کرده و از نو بسازد و در نهایت رمانی را ارائه کند که "یادآوری رو به جلو" باشد و نه تکرار گذشته‌محور آثار قدیمی. این مقاله به بررسی فرآیند نگارشی‌ای می‌پردازد که این رمان‌نویس با آن و به‌مدد از سرگیری بی‌وقفه‌ی کار نگارش، بر آن بوده تا اثر جدیدی را با ریشه‌های جدید بیافریند و از منزوی شدن کتاب در دنیایی که قبلاً دیده شده و یگانه است، جلوگیری کند.

کلیدواژه‌ها: رمان از سرگیری، آلن رب‌گریه، به‌خاطر آوردن، از سرگیری

مقدمه

رب-گریه در سال ۱۹۸۱، پس از انتشار رمان جن^۱، اعلام کرد که برای همیشه از نگارش رمان دست کشیده و شاید دیگر چیزی غیر از فیلم‌نامه ننویسد. به هر جهت، رمان دیگری به نام *از سرگیری* که در آستانه‌ی هشتاد سالگی او (۲۰۰۱) منتشر شد، با آثاری که این نویسنده چهل سال پیش از این تاریخ، به نگارش در آورده بود، در پیوند بودند: *پاک‌کن‌ها*^۲، *تماشاگر خلوت دیگران*^۳، *ژالوزی*^۴ ... او در رمان خود جملات زیر از کی‌یرکگور را درج می‌کند:

"از سرگیری و یادآوری حرکتی یکسان اما در دو جهت متفاوت هستند؛ زیرا چیزی که به یاد آورده می‌شود، گذشته است؛ بنابراین تکرار به سوی عقب مطرح است درحالی‌که از سرگیری به معنای واقعی یادآوری به سوی جلو است."

از سرگیری دقیقاً به ترسیم طرح این مفهوم می‌پردازد. در این اثر درون‌مایه‌ها و انگیزه‌هایی به چشم می‌خورند که در کتاب‌های قبلی رب-گریه از حدود نیم قرن پیش به وفور یافت می‌شوند اما این مضامین به روز شده‌اند و وی دوباره روی آنها کار کرده است. عنوان این رمان برگرفته از رساله‌ای از کی‌یرکگور است که اغلب به زبان فرانسه *Répétition* ترجمه شده است. در بخش دوم این اثر، کنستانتین کنستانتیوس^۵، نویسنده‌ی خیالی کی‌یرکگور (که رابطه‌اش اندکی قبل با رژین اولسن^۶ به تیرگی گراییده)، سفر خود در سال ۱۸۴۳ به برلین را نقل می‌کند که هدف از آن برقراری رابطه‌ی مجدد با نامزد خویش است. رمان رب-گریه هم به‌طور مشابه در برلین سال ۱۹۴۹ رخ می‌دهد و دختری بسیار جوان یکی از قهرمانان داستان است.

ما در این مقاله سعی داریم تا نشان دهیم که نویسنده در این اثر، عناصر قبلی را تنها به منظور تغییر شکل و پیش‌بردن آنها و بنای دنیای جدیدی برای رمان تکرار می‌کند. *از سرگیری* همچون *پاک‌کن‌ها* به یک مقدمه، پنج فصل و یک مؤخره تقسیم شده

1. *Djin*2. *Les Gommès*3. *Le voyeur*4. *la Jalousie*

5. Constantin Constantius

6. Régine Olsen